

نگارش آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

ربنهارت دوزی

« ۱۸۲۰ - ۱۸۸۳ م »

دوزی از خاندان آصفیل فرانسوی است که در سال ۱۶۴۷ میلادی قائلش به علت مذهبی مهاجرت کرده بودند و دوزی در سال ۱۸۲۰ در لیدن بدنیا آمد.

تقریباً دو قرن است که لیدن کانون احیاء ادبیات اسلامی است. دوزی علوم زبان شناسی و تاریخ را در دانشگاه لیدن تحصیل کرد و در آنجا از دروس مذاقانه دانشمند (ویر) استفاده کرد و در ۱۸۴۴ دکتر شده به و آنستفاده های خطی شرقی را از کتابخانه دانشگاه مزبور استفاده نمود و در ۱۸۵۰ یکی از پروفیسورهای فوق العاده تاریخ گردید و در ۱۸۵۷ عنوان پروفیسوری از بسبب شناخته شد و نوشت که مورد توجه تمام دانشمندان واقع شد. از جوانی عشق سرشاری به ادبیات عرب داشت و به بحث و تحقیق مشغول بود. نخستین مباحث تحقیقی خود را در بشریک دسته آزمون عرب قرار داد. کتاب مرا کشی را که بنام «العجیب فی تلخیص اخبار المغرب» است با شرح و حواشی و تصحیح به چاپ رسانید و کتاب شرح ابن بدزون از عقیده ابن عبدون مشهور و کتاب البیان المغرب لابن العذاری مرا کشی را منتشر کرد.

مستشرقین کتابهای اسلامی عربی را در آن ایام به همت او در لیدن نشر میدادند و لیدن در آن هنگام کانون جنبش فرهنگی اسلامی بود. آنانکه سروکاری به تحقیقات تاریخی دارند میدانند که مستشرقین چه حواشی و تصحیفات و انتقادات بسیار گرانبهای بر کتابها نوشته اند که ارزش کتاب را چند برابر نموده اند چه بسا زنده کردن یکی از آثار با آن روش انتقادی گرانبها تر و پر ارج تر از تالیف کتابی است.

دوزی بعدها در تاریخ اندلس کار کرد و در حقیقت تمام هم خود را در تحقیق تاریخ اندلس بکار برد. از تاریخ اندلس یعنی تاریخ عرب در اسپانیا آن تاریخ شماری بهر بی پایه کاستیلیایی موجود است اما کتابهای عربی بیش از همه چیز در باره مسلمانان بحث می کند و کتابهای کاستیلیایی با تصحیح آموخته شد و مهمتر از همه آنکه آثار عربی و کاستیلیایی کمتر در بازه تاریخ سیاسی اسلام در اسپانیا بحث می نماید.

علاقه مستشرقین نوشتن کوفتهای نخستین شاهنشاهی است که تاریخی

در باره اندلس بزبان اسپانیایی تالیف نمود و از مصادر عربی که در اسکوریال بود و مصادر کاستیلیا استفاده کرد و توجه مخصوصی به تاریخ سیاسی اسپانیا داشت و کتاب کوندی که موسوم به تاریخ دولة المسلمین فی اسپانیا باشد در سال ۱۸۲۰ منتشر شد

این کتاب مهمترین کتاب فرنگی در تاریخ اندلس بود تا عصر دوزی اما دوزی کتاب مزبور را انتقاد شدیدی نمود و نسبت نادانی بزبان عربی و تاریخ را به مؤلف آن داده است بلکه او را متهم کرده است که تزویر و تیرنگ را در داستانها و وقایع بکار برده است.

دوزی کتاب « مباحث در تاریخ اسپانیای سیاسی و ادبیات آن دو قرن وسطی » (۱) را تألیف کرد. این اثر نخستین نتیجه ایست که از مطالعات و تتبعات در مباحث تاریخ اندلس گرفته است. دوزی انتقاد شدیدی بر هیئتان نمود و از بسیاری اقترها که افسانه وار نوشته اند و به مسلمانان نسبت داده اند انتقاد کرده است.

یکی از بهترین نتایج مطالعات دوزی و زیباترین آثارش کتاب او در تاریخ اندلس است که همیشه از معتبرترین مصادر تاریخ اسلام در اسپانیا بشمار میرود، دوزی در این نوشته، مواهب تاریخی خود را از لحاظ نقد و تحلیل و تحقیق نمودار ساخته است. این کتاب شامل جزئی از تاریخ اسلام در اسپانیا است که از آغاز فتوحات اسلامی تا فتح مرا بطین (۷۱۱ - ۱۱۱۰) به بسط مطالب پرداخته و حواشی گرانبهایی برین کتاب نوشته است که بسیاری از حوادث و اتفاقات تاریخی را روشن ساخت و تاریخ کشور های نصرانی « نصاری شمال » را خوب و وصف نمود. چیزی که بیشتر از همه آثار دوزی را از سایرین امتیاز میدهد، این است که دوزی از تمام چنگ های دینی و سیاسی و ملی دور است. بجز حقیقت چیزی را نمیدید و بادلائل متین و استواری قضایا را روشن کرده است در تحلیل شخصیت های بزرگ اندلس مانند عبدالرحمن ناصر، حاجب منصور بخوبی از عهده برآمد. در بعضی موارد مباحث سیاسی و تاریخی آن عصر مورد تعجب مؤلف است که بانوعی از حماسه مطالب را وصف میکند چیزی که باعث تأسف است اینکه دوزی تاریخ خود را به عصر دول طوائف و فتح مرا بطین به پایان رسانید. با آنکه این دوره تاریخی مشکل ترین و پربپیچ ترین مراحل تاریخی اندلس می باشد. گرچه روایات این عصر اندک است باز می توانست میدان وسیعی برای بحث و استقصا پیدا کند تمام مراجع عربی و برخی مصادر قدیمی کاستیلیا و مصادر عربی در اسکوریال مشوش است.

و این رشته از مصادر در دسترس دوزی بود و بسا جدیدت کمی قضایا
برای دوزی روشن میشد.

دوزی قسمتی از تاریخ این عصر را در کتاب دیگری بنام «سید مطابق
مصادر جدید» تألیف نمود.

دوزی در کتاب تاریخ خود حقیقت مهمی را متذکر شد که تا آن زمان
مغفی بود و آن حقیقت اینکه «فونسو» عالم معروف که در تاریخ عمومی خود از
چنگ‌های سید و کارهایش وصف نموده آن رشته از مطالب را از تاریخ عربی
که بکنفرادیب مسلمان در ایام سید در بلنسیه بوده تألیف نموده اقتباس کرده که او را
می‌شناخت و شاهد حوادث و وقایع آن امر بود. دوزی با دلایل ادبی که مربوط
به اسلوب و عبارات آن نوشته بود این نکته را روشن ساخت و دلایل دیگری
آورد که ادیب مسلم سید را تدوین نموده است.

چنانکه ابن بسام در کتاب خود «الذخیره فی التعریف بمجاسن اهل
الجزیره» قسمتی از تاریخ سید را نقل نمود. خلاصه کتاب سید بسیاری از حقایق
تاریخی را در تاریکترین ادوار تاریخی روشن ساخت

دوزی به اعتماد صاحب نفع الطیب تاریخی برای ادبیات اندلس تألیف
نمود و بادوست خود استاد دی گویه مستشرق هلندی قسمت مخصوصی از جغرافیای
اندلس را از کتاب ادربیسی «نزهة المشتاق» ترجمه کرد و قاموسی هم در کلمات
اسپانیا و پرتغالی که مشتق از کلمات عرب بود تألیف نمود. دوزی در تعلیمات
و عقاید اسلامی و مبادی آن تحقیقاتی دارد موسوم به «مبادی اسلامی» در این
کتاب دوزی نهضت اسلام و کیفیت انتشار آن و سیاست خلفا را با مبادی فرق
بخوبی تشریح کرده است

مسکن است دوزی آراه نادره داشته باشد اما از تعصب مذهبی و ملی
برکنار است

دوزی بزبان هولندی کتابی (از تاریخ یهود در مکه) منتشر ساخت و قاموسی
هم برای لباس نزد عرب نوشته است

دوزی چنانکه ملاحظه می‌شود زندگی خود را وقف تدوین تاریخ اندلس
نمود و بهترین خدمات را به تاریخ اسلامی کرد

و این علامه بزرگ در سن هفتاد و سه سالگی در سال هزار و هشتصد و هشتاد و سه
در شهر لیدن وفات نمود

مهمترین تألیفات دوزی فرهنگ عربی است که آن را بقاموس عربی
پیوسته و در این کتاب الفاظی از عربی که در قاموس وارد نشده ایراد نموده و کتاب
در دو مجلد مفصل است (طبع لیدن ۱۸۸۱ - ۱۸۷۷) تقویم ۹۶۱ میلادی

قرطبه منسوب به عریب بن سعد قرطبی رادر سال ۱۸۷۳ درلیدن طبع نمود. جزء کتاب العرب فی دولة العبادین اودرلیدن به طبع رسیده.

شیخ ابراهیم یازجی عالم معروف لنوی شرح قصیده ابن عبدون را که بوسیله ابن بدرون تألیف شده و دوزی آنرا طبع نمود انتقاد کرد و در مجله الطیب سال ۱۸۸۴ نشر داد

بیان المغرب فی اخبار ملوک الاندلس والمغرب لابن العذاری را از ۱۸۴۸ تا ۱۸۴۹ درلیدن به طبع رسانید و از کتاب «المغرب» جنگهای نرماندی را در جلد دوم طبع دوم ترجمه کرده

بعضی از قسمتهای تاریخ اسلامی علامه دوزی بزبان های ترکی و عربی ترجمه و نشر شده است

اثر آقای محمدعلی دانشور (فرهود)

این چکامه بنامت بنای دبستان دوشیزگان قلهک که اولین سنگ بنای آن در روز جمعه ساعت پنج بعد از ظهر ۱۳۲۷/۷/۲۴ بوسیله جناب آقای غلامحسین وهنما وزیر فرهنگ از زمین زده شده در تالار و ده در جشن هم آروز که در دبستان جم قلهک برپا شد خوانده ام -

جهان از نور دانش رشک فردوس برین نیم
بدانش شست میخی خرم و شاهاب و آبادان
همانند مرغ آزادی ز دانش بال و پر میبرد
قلبی و کینه بگریزد بگیتی در ره دانش
فروزان و دل فروزات در گوهر دانش
جهان از دانش دانشوران از جنگ شد فارغ
امریا نام و دانش دین و ایمان تو امان گردد
هرگز راه ندهد از عالمان بد عمل خیزد
وفاق و امح و آزادی و صفای صلح و آبادی
خوش آمدند که با مردان دانش آشنا گردد
جهان را مهد دانش باشد ایران عزیز ما
هزاران عالم باین وایمان خاست از ایران
نظام الملک و خیام و ابوسینا و رازی را
همی فردوسی و سعدی و حافظ که نظامی را
هزاران خوان دانش مستر اندند در گیتی
چو از دیای فانی زخت بر بستند و بگذشتند
هلا ای برادران وطن آگون بخود آید
لویدی میدهد اینک بنای دانش قلهک
رسی نیک مردان شد بقلهک این بنا بر پا
دبستانی که در قلهک بنا شد بایش یارب
ز تاریخ بنای این دبستان کشته ام جو یا
حال بکهارو سپندو است و چهار اکنون

ز فر و شوکت دانش جهان را دلشین نیم
زین دانش وینش سعادت را فرین نیم
بگلپناک روان بخشش نوای شکران نیم
بدانش مهر و الفت را مهین یار و مهین نیم
دل دانشوران روشن از این در نمین نیم
کزون در گوشه محنت بداندیشان غمین نیم
جهان رادر چنین روزی بس بهتر از این نیم
ساق و کین و جنگ از عالم بست و کین نیم
من اینها جملگی در سایه ایمان و دین نیم
زهی قومی که از دانشورانی آفرین نیم
جهان معرفت را من با ایرانی رهین نیم
که صیت شهرت هر یک از ایران تا چین نیم
درخشان اختر دانش بچرخ چنبرین نیم
بهستان ادب هر یک چو یاس و یاسمین نیم
زخوان دانش آنان هزاران دانه چون نیم
امید جمله بر آیدنگان عین الیقین نیم
مبادا مادر مهین ز نا دانان حزن نیم
که ایران را از این پس من بهین ملک زمین نیم
که مدح نیک مردان را بقرآن مبین نیم
مصون از آفت گردون سی ماه و سنین نیم
من از فرهود دانشور جوابش ایچنین نیم
بنای این دبستان را ز هرمی آهین نیم